



مطالعات تزئینات نمای بیرونی درب‌ها و سردرهای بناهای تاریخی بافت اطراف حرم مطهر امام رضا (منطقه ثامن)

چکیده

بیان مسأله: ورودی هر مکان نخستین و مهم‌ترین حلقه ارتباطی افراد با فضا است. هر ورودی می‌تواند از دو منظر عینی و ذهنی برای افراد تعریف گردد و همیشه این مؤلفه‌های عینی از جمله سردرها است که بر دیگر مؤلفه‌ها پیشی گرفته و در نظر افراد بررسی می‌گردد و می‌تواند حس آنان را نسبت به فضا تعریف کند. شکل‌گیری ورودی به‌عنوان یکی از عناصر مهم و مؤثر در معرفی افکار و نظریات دوران مربوط به خود است و متناسب، هماهنگ و پیوسته با امکانات، اهداف عملکردی و تفکرات دوره مربوط به خود شکل می‌گیرد. مسأله‌ای که این پژوهش بدان می‌پردازد، مطالعه‌ی موردی پژوهش، بافت اطراف حرم مطهر امام رضا (منطقه ثامن) می‌باشد.

هدف پژوهش: تمرکز بر نقوش بکار رفته در سردرها و درب‌های بناهای مسکونی و تجاری در منطقه ثامن مشهد در دوره‌ی قاجار و ماقبل بر مبنای گونه‌ی تاریخی، پهلوی اول و دوم بر مبنای گونه‌ی سنتی ساده و پرکار، دوره‌ی گذار (اواخر دهه‌ی ۵۰ تا ۷۰) بر مبنای گونه‌ی تلفیقی و تقلیدی و دوره‌ی متأخر بر مبنای گونه‌ی مدرن به منظور شناخت ویژگی‌های تزئینات درب و سردرهای این منطقه در دوران مختلف است.

روش پژوهش: اطلاعات پژوهش، براساس پیمایش نگارنده در بافت اطراف حرم مطهر امام رضا (منطقه ثامن) و با ابزار «عکس برداری» و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده است. تصاویر گرفته شده توسط نگارنده، بر چارچوب تعریف شده، با روش توصیفی-تحلیلی، ارائه می‌شود.

نتیجه‌گیری: پژوهش بیانگر این است که با توجه به تحولات سیاسی، اجتماعی و فناوری رخ داده در ایران و مشهد، میتوان ساخت و طراحی درب و سردر بافت تاریخی مشهد را این گونه تفکیک نمود: دوره‌ی قاجار و ماقبل بر مبنای گونه‌ی تاریخی، پهلوی اول و دوم بر مبنای گونه‌ی سنتی ساده و پرکار، دوره‌ی گذار (اواخر دهه‌ی ۵۰ تا ۷۰) بر مبنای گونه‌ی تلفیقی و تقلیدی و دوره‌ی متأخر بر مبنای گونه‌ی مدرن. مقایسه‌ی ویژگی‌های این گونه‌ها نشان می‌دهد که اگرچه طراحی و ساخت سر در خانه‌های قدیمی دارای نقش کالبدی و کارکردی است که بیانگر مسائل زیادی مانند اوضاع طبیعی و اجتماعی منطقه، مذهب، نظام اجتماعی و فرهنگی، سبک زندگی و سطح طبقاتی باشد، اما با گذشت زمان و متأثر از تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوری، به تدریج شیوه‌های سنتی طراحی درب و سردر از بین رفته و به سمت گونه‌ی مدرن سوق یافته است.

کلیدواژه‌ها: تزئینات، نمای بیرونی، درب و سردر، بافت تاریخی، منطقه ثامن



Exterior decoration studies of doors and entrances of historical buildings around the holy shrine of Imam Reza (Samen region)

Abstract

Mashhad is a city with historical neighborhoods that once housed many valuable houses, but due to changes in lifestyle, development plans, migration and economic changes, the valuable texture of the city has changed over time. Regardless of the positive and negative aspects of these developments, the need to introduce and recognize the houses of Mashhad and its components as a historical city has become necessary and proven.

Problem statement: The entrance of each place is the first and most important link between people and space. Each entrance can be defined for individuals from both objective and subjective perspectives, and it is always these objective components, including the entrances, that precede the other components and are examined by individuals and can define their sense of space. The formation of input as one of the important and effective elements in introducing the thoughts and theories of the relevant period and is formed in proportion, in harmony and continuously with the facilities, functional goals and thoughts of the relevant period. The problem that this research deals with is the case study of the research, the texture around the holy shrine of Imam Reza (Samen region).

Objective: To focus on the designs used on the entrances and doors of residential and commercial buildings in Samen area of Mashhad in the Qajar and pre-Qajar periods based on historical species, the first and second Pahlavi based on traditional simple and prolific species, transition period (late 19th to 20th century) Based on the combined and imitation species and the later period is based on the modern species in order to recognize the features of door and door decorations in this region in different eras.

Research Method: The research information was collected based on the author's survey in the context around the holy shrine of Imam Reza (Samen region) and with the tool of "photography" as well as library and documentary studies. The images taken by the author are presented on a defined framework, using a descriptive-analytical method.

Conclusion: The research indicates that according to the political, social and technological developments that have occurred in Iran and Mashhad, the construction and design of doors and entrances of the historical context of Mashhad can be divided as follows: Qajar and pre-historical period, Pahlavi I and Second, based on the simple and prolific traditional species, the transition period (late 19th to 20th century) based on the combined and imitation species, and the later period based on the modern species. A comparison of the characteristics of these species shows that although the design and construction of the head in the old houses has a physical and functional role that reflects many issues such as the natural and social conditions of the region, religion, social and cultural system, lifestyle and class level. However, with the passage of time and under the influence of economic, social and technological developments, the traditional methods of door and door design have gradually disappeared and moved towards the modern species.

Keywords: Decorations, Exterior, Doors and entrances, Historical texture, Samen region



References

- Delbrueck, R. (۱۹۴۹). The Acclamation Scene on the Doors of Santa Sabina. *The Art Bulletin*, ۳۱(۳), ۲۱۵-۲۱۷.
- Carmona, R., & Lacroix, J. (۲۰۱۲). *Spectral theory of random Schrödinger operators*. Springer Science & Business Media.
- Afzal Tusi, Effat Sadat, weapon. (۲۰۱۷). The image of Prophet Mohammad (PBUH) in the tiles of Shiraz houses. *Negative Quarterly*.
- Asad, Fallahzadeh, Barzegari. (۲۰۲۱). The effect of four training methods on the expression of angiotensin-1 and constatin genes in the left ventricle of Wistar rats. *Applied studies of life sciences in sports*.
- Individuals Kazem. (۲۰۱۷) Sorting method and construction of doors and entrances of Rasht historical texture from the Qajar period is performed.
- Pakzad, Mehri. (۲۰۱۰). Idris Badlisi, Eight Heavens and his other works. *Journal of Epic Literature*.
- Jahangiri Kalateh, K., Kazem. (۲۰۱۵). Explain the structure and documents of divorce letters (based on the existing divorce letters in Astan Quds Razavi Documentation Center). *Shamseh: Electronic Journal of the Organization of Libraries, Museums and Documentation Center of Astan Quds Razavi*, ۷ (No. ۲۸-۲۹ Fall and Winter ۲۰۱۵).
- Haji Alim Mohammadi, Afsaneh. Patterns of the doors of old Tehran houses. ۱۹۹۳
- Habibi Seyed Mohsen, Saeedi Rezvani Hadi. Participatory urban planning: conceptual differentiation and evaluation of Iranian experiences.
- Hijazi. (۲۰۲۱). Illustration in Abdullah Mostofi's trip to Russia. *Natural Literature Research*.
- Hassanpour, Sultanzadeh. (۲۰۲۱). Explaining the mutual role of culture and art in the ritual architecture of Takaya Mazandaran. *Islamic art*.
- Hamzeh Nejad Mehdi, Akbari Ali, Ansari Shabnam. Analysis of contrasts and agreement of imaginary forms in the imaginative pattern of two holy buildings (Case study: two buildings adjacent to the tomb of Sheikh Abdul Samad and the Natanz Grand Mosque).
- Absolute friendship, bond. (۲۰۰۹). Check input history. *Armanshahr architecture and urban planning*.
- Diani, M., Kiani, M., Fattahi, R. (۲۰۱۳). Cognitive science to avoid the forced use of new conceptual information in the classical structure. *Library and information*
- Sultanzadeh Hussein. Mohammad Karim Pirnia: Architect ۱۳۰۱-۱۳۷۶.



-Honorable. (۲۰۲۲). Review of educational materials for women in the Qajar period based on the newspaper "Habla Al-Matin Calcutta. History Quarterly.

Karkundi Esfahani, Farzaneh, Mohammadi Milasi, Mir Moghtadaei, Ahmad Reza, Kamali Dolatabadi. (۲۰۲۱). Study and evolution of mural decorations in the architecture of Nechir Mobarakeh Castle in Isfahan. Negative Quarterly.

-Flower of Cyrus. Constituent components of urban design quality.

Marzban, Parviz, ۲۰۱۳. Illustrated culture of visual arts

-Mahdavi Nejad Mohammad Javad, Mofidi Nooshin. Manifestation of the concept of movement in contemporary Iranian architecture.

مقدمه

ورودی یک ساختمان (در قالب سردر و درب طراحی می‌شود) نمایانگر اعتقادات، باورها و سنت‌های ساکنان آن بود. بیشتر سر در خانه‌های قدیمی دارای نقش کالبدی و کارکردی است که بیانگر مسائل زیادی است. سر درهای ورودی می‌توانند نشانه‌هایی مناسب از اوضاع طبیعی و اجتماعی منطقه، مذهب، نظام اجتماعی و فرهنگی، سبک زندگی و سطح طبقاتی باشد. تنوع درب‌ها و سردرها به لحاظ مقیاس، موقعیت مکانی، جنس و مواد سازنده، فرصتی را در اختیار هنرمندان قرار می‌دهند تا بتوانند در مقیاس شهر معنایی خاص خلق کنند. ورودی ساختمان، یکی از عناصر مهم آن ساختمان محسوب می‌شود. در گذشته سر در ورودی نسبت به سایر اجزا خانه، از ویژگی‌ها و امتیازات خاصی برخوردار بوده؛ زیرا علاوه بر این که به‌عنوان یک عنصر ارتباطی بین برون و درون خانه محسوب می‌شده است، از لحاظ زیبایی بصری نیز شاخصی برای تشخیص ارزش هویت معماری هر ساختمان بوده است (محمدی و رجیبی، ۱۳۹۸). درب‌ها فارغ از کاربرد جداکننده خیابان از مکان موردنظر دارای مفهوم است، مفهوم یادبود، مفهوم ورود به مکانی جدید و مفهوم زیبایی‌شناختی. به‌طور مثال درب‌های چوبی کلیساهای قرون وسطی و رنسانس در کشور ایتالیا، دارای تکنیک‌های خاص برنزی و منبت‌کاری همراه با نقوش حیوانات وحشی از جمله شیر است که نشان‌دهنده‌ی شکوه کلیسا در آن دوره است (Delbrueck R, ۱۹۴۹:۳۱). به‌طور هم‌زمان درب‌های کلیسا نمادی است از تسبیح خداوند و تعلیم‌بندگان، بر همین اساس درب‌ها و سردرهای کلیسا مضامینی از سقوط انسان، زنگی قدیسان تا جلال مسیح و نمادهایی از تغییرات اعتقادی و حساسیت‌های هنری در طی قرن‌های مختلف منعکس می‌کند. معماری ایران نیز در تاریخ چند هزارساله‌ی خود دچار فراز و نشیب‌هایی حاصل از مواجهه و تأثیرپذیری از هنر و معماری اقوام و تمدن‌های دیگر بوده است به‌طوری‌که دوره بندی‌های تاریخی و شیوه‌های معماری که توسط مورخین برای معماری ایران در نظر گرفته‌شده منطبق بر نقاط عطفی است که بر اثر این مواجهه‌ها و تلاقی‌ها به وجود آمده‌اند (نوری جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۸). درون‌گرایی «یکی از خصوصیات بخش غالب معماری و شهرسازی ایران است که بر اثر مواجهه، تغییر و تحول پیدا می‌کند. برون‌گرایی و یا نیمه برون‌گرا شدن بناها در دوره‌های قاجار و پهلوی و احداث خیابان در بافت شهرهای ایران باعث اهمیت یافتن نمای خارجی ساختمان‌ها می‌شود. در دوره‌ی معاصر است که



نقش خراساد شکوفای معماری ایرانی اسلامی

چهره شهرها متشکل از نما های طراحی شده و دارای تزئینات می شود. یکی از انواع تزئیناتی که در این دوره در نمای ساختمانها مورداستفاده قرار می گیرد، تزئینات دربها و سردرها است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روشهایی که برای جمع آوری اطلاعات و داده های پژوهش حاضر مورداستفاده قرار گرفته است شامل روش کتابخانه ای، مطالعات اسنادی است. بر این اساس دیدگاهها و نظرات موجود در متون در ارتباط با دربها، مطالعه و مقایسه شده است. در ابتدا به بررسی نقش دربها در ارتباط با معماری نما و فضاهای شهری می پردازیم. در ادامه نقوش و خطوط دربها و سردرهای خانهها و مکانهای تاریخی در منطقه ثامن مشهد را مورد بررسی قرار می دهیم؛ و در نهایت گونه بندی مشخصی از نقوش را تحلیل می نماییم.

پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش را می توان از دو منظر بررسی نمود؛ اول، پرداختن به شیوه های ساخت و گونه شناسی درب و سردر بافت های تاریخی و دوم، بررسی این موضوع در بافت تاریخی منطقه ثامن. مطالعات نگارنده در مورد موضوع اول، بنشان می دهد که چند پژوهش در این زمینه انجام شده است. یکی از مهم ترین این پژوهشها، کتب حسین سلطانزاده با عنوان: فضاهای ورودی خانه های تهران قدیم (۱۳۷۱) و فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران (۱۳۷۰) است. در این کتابها، موضوع درب و سردر به عنوان بخشی از فضاهای ورودی ساختمان مورد بررسی قرار گرفته است و نه به عنوان موضوع جداگانه. همچنین در این کتاب به سبک های مختلف معماری به کاررفته در طراحی ورودی ساختمانها از جمله بخش درب و سردر آنها نیز پرداخته شده است که در این پژوهش مدنظر قرار می گیرد. به جز این دو مورداشاره شده، سایر پژوهش های عمومی صورت گرفته، بخشی و متمرکز بر یک مطلب خاصی باشد مانند کتاب نقوش سردرهای خانه های تهران قدیم، تألیف افسانه حاجی علی محمدی (۱۳۷۲)، مقاله رضا محمدی و محمدعلی رجبی (۱۳۸۹) در بررسی کتیبه های سردر منازل تاریخی شهر تهران، مقاله پیوند دوستی مطلق (۱۳۸۸) در بررسی تاریخچه ورودی و مقاله ی محمد زاده و علی زاده (۱۳۹۲) در تجزیه و تحلیل تزئینات فلزی درب ورودی مدرسه چهارباغ اصفهان. در ارتباط با موضوع دوم (یعنی شهر مشهد و طراحی درب و سردر در شهر مشهد) کتبی در ارتباط با تاریخ و حوادث گذشته بر مشهد وجود دارند که می توان به محمدحسن خان صنیع الدوله (۱۳۶۲) در کتاب مطلع والشمس اشاره داشت که به شرح تاریخی و جغرافیایی شهر مشهد پرداخته و محلت و دروازه های آن را نام می برد. رضا قلی خان هدایت (۱۳۸۰) در کتاب روضه الصفای ناصری وضعیت کالبدی و اجتماعی شهر مشهد را گزارش داده. زین العابدین میرزای قاجار در کتاب ارزنده نفوس ارض اقدس، اما خانه به خانه محلات شش گانه مشهد (صدسال قبل از انقلاب اسلامی)، مشاغل و نفوس را ذکر و بیان می کند. علیرضا رضوانی (۱۳۸۴) در کتاب جستجوی هویت شری مشهد به بررسی و بیان ویژگی های شهر مشهد که به لحاظ قابلیت های خاص و منحصر به فرد خود



نقش خراساد شکوفای معماری ایرانی اسلامی

از اعتباری ویژه برخوردار است- در گستره‌ای از مباحث جغرافیایی و طبیعی، انسانی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و به‌خصوص کالبدی- در گذشته و حال پرداخته است. محمدرحیم رهنما (۱۳۹۰) در کتاب شناسایی وجه‌تسمیه معابر، محلات و اماکن عمومی بافت قدیم شهر مشهد به پژوهشی پیرامون شناسایی اسامی، فرهنگی، مذهبی، تجاری و... در محدوده بافت قدیم شهر مشهد همت گماشته است. علی مؤتمن (۱۳۴۸) در کتاب تاریخ آستان قدس ضمن بررسی مختصر جنبه‌های متنوعی از مشهد و بارگاه رضوی به قریه‌ها، محلات و جمعیت برخی از اقلیت‌های مذهبی به‌صورت موجز پرداخته است. مهدی سیدی مطالعاتی در زمینه‌ی رویکردهای فرهنگی و کالبدی و تاریخی و جغرافیایی شهر مشهد در کتاب‌های تاریخ شهر مشهد (۱۳۷۸)، نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد (۱۳۹۲) داشته است. حسین سلطانزاه (۱۳۹۰) در کتاب فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران به مطالعه شکل‌گیری فضاهای ورودی در انواع بناها و اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن در معماری سنتی ایران اهتمام ورزیده است و محمد رجبی (۱۳۹۸) مقاله کتیبه‌های سردر ورودی منازل تهران از دوره قاجار تاکنون را در مجله نگره منتشر نموده‌اند؛ اما موضوع مقاله پیش رو تاکنون مورد مطالعه در کتب یا مقالات نبوده است.

چارچوب نظری

هر ورودی دارای نقش‌های کالبدی و کارکردی است یکی از اجزای ورودی بناها سردرها هستند. از نقش‌های کالبدی در ورودی می‌توان به تأمین و نظارت بر ارتباط، کنترل گری، نفوذپذیری، تبدیل‌پذیری، تشخیص و خوانایی، پذیرندگی یا دعوت‌کنندگی نام برد. شکل‌گیری ورودی به‌عنوان یکی از عناصر مهم و مؤثر در معرفی افکار و نظریات دوران مربوط به خود است و متناسب، هماهنگ و پیوسته با امکانات، اهداف عملکردی و تفکرات دوره مربوط به خود شکل می‌گیرد. در سرزمین ایران، تزئینات معماری در تمامی دوره‌های تاریخی چه در عصر باستان و چه در دوره اسلامی، بیانگر اندیشه و ذوق مردمانی است که معیارهای هنر و زیبایی را فراگرفته‌اند. این هنر ساختمانی در دوره معاصر اگرچه اصالت و گستردگی گذشته را ندارد، اما تنوع و بیان متفاوتی به خود گرفته است چراکه از یک‌طرف خلق پدیده‌های هنری و تجربه‌های تاریخی و به‌صورت مجموعه‌ای غنی از گذشته را با خود دارد و از طرف دیگر، تحول جدید ارتباط با دنیای مدرن و عصر حاضر که پیوند تا و ارتباط‌های سهل‌تری را ایجاد کرده، باعث بروز پدیده‌های تازه، مختلف و متنوع در این هنر شده است (کیانی، ۱۳۹۲)

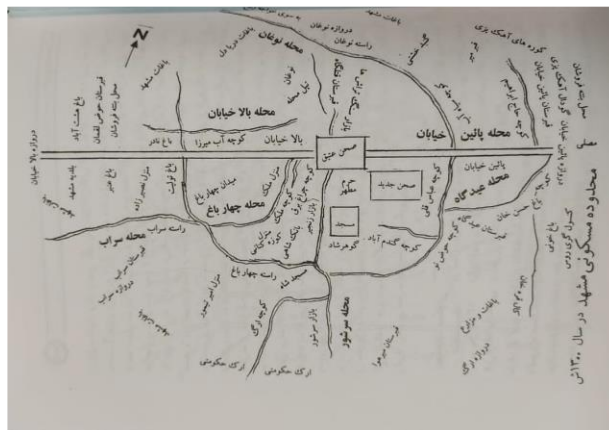
موقعیت جغرافیایی و تاریخی منطقه ثامن مشهد

منطقه ثامن محدوده ۳۲۴ هکتاری بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع) در بخش مرکزی شهر مقدس مشهد را شامل می‌شود. شواهد تاریخی بیانگر آن است که هسته اولیه شهر بر مبنای مرکزیت مرقد منور و قدسی امام رضا (ع) شکل گرفته است و از گذشته‌های دور تاکنون این مکان، کانون توجه زائران و مجاوران بوده است. تا اوایل دهه ۱۳۰۰ شمسی مشهد فقط دارای یک خیابان به‌صورت چهارباغ از غرب به شرق بود که به فرمان شاه‌عباس، هم‌زمان با صحن عتیق صفوی به‌صورت چهارباغی با چهار ردیف از درختان و نهر آبی در وسط احداث شده بود. ضلع غربی آن، بالا خیابان علیا نامیده می‌شد که از



نقش خراساد رشک و فائز معماری ایرانی اسلامی

کوچه باغ عنبر فعلی مقابل بانک سپه شروع می‌شد و تا بست خیابان و صحن عتیق رضوی یا انقلاب ادامه داشت و ضلع شرقی آن از بست پایین خیابان به سمت شرق تا محل پنج راه فعلی امتداد داشت و پایین خیابان یا خیابان سفلا گفته می‌شد که در گویش عامیانه و لهجه مردم مشهد به ته خیابون می‌گفتند این خیابان چهارباغ یا در اصطلاح امروز بلوار سرتاسری، مشهد را به بخش شمالی محلات نوغان، قتلگاه، ته پل محله، آب میرزا قبر میر، حوض مسگرها، سیاه‌آب و بخش جنوبی شامل محلات چهارباغ، ملک، باغ عنبر، سراب، سرشور، عیدگاه و محله جدیدها تقسیم می‌کرد. در پایین خیابان و در محل گذر پنج راه فعلی شهر تمام می‌شد و تمامی محوطه پنج راه و پارک وحدت قبلاً قبرستان و کوره آجر و آهک‌پزی بود که بعدها در سال ۱۳۵۰ به پارک تبدیل گردید در قسمت دیگر محوطه پنج راه پایین خیابان نیز مالدارها و دوآب بارکش شهری و پشته بته فروشان و هیزم‌شکنان اجتماع می‌کردند. پایین خیابان از طریق کوچه حاج ابراهیم و سپس از طریق کوچه راسته حمام نوروز وانتهای کوچه سیاه‌آب و گنبد خشتی به راسته نوغان می‌پیوست. خیابان‌کشی‌های جدید مشهد از سال ۱۳۰۷ شمسی با احداث خیابان مدور بر پیرامون ابنیه و بارگاه مقدس رضوی و مسجد گوهرشاد آغاز گشت که فلکه حضرت خوانده می‌شد و سپس هم‌زمان احداث خیابان تهران، خیابان طبرسی، شاه رضا (آزادی)، خسروی، خاکی و... شروع شد. خیابان اصلی محله پایین خیابان بعدها به خیابان صفوی مشهور شد و بعد از انقلاب هم مسئولان وقت نام این خیابان را به نواب صفوی تغییر دادند.



تصویر شماره ۱. محدوده مسکونی شهر مشهد در سال ۱۳۰۰ شمسی (مأخذ: طرح طاش)

Figure 1. Residential area of Mashhad in ۱۳۰۰ AD (Source: Tash design)

ویژگی بافت منطقه ثامن مشهد



نقش خراساد شکوفای معماری ایرانی اسلامی

حضور سالیانه میلیون ها زائر در بارگاه رضوی، ایجاد فضاهای خدماتی در پیرامون حرم را به ضرورتی مهم تبدیل کرده که همین موضوع، اهمیت نوسازی و به سازی در بافت تاریخی پیرامون حرم را دوچندان ساخته است. وجود پیوندهای عاطفی و ذهنی بین ساکنان، کالبد و فضای بافت های قدیمی در گذشته، از عوامل استمرار حیات این ساختارها در طی زمان بوده که ریشه در باورها، سنن و تفکر خاص حاکم بر معماری این سرزمین داشته و مرحوم پیرنیا (۱۳۸۲ و ۲۶) آن ها را به صورت اصول پنج گانه ی پرهیز از بیهودگی، بوم آورد بودن، درون گرایی، مردم واری، و فناوری ساخت مطرح کرده است. طی سالیان گذشته، در بخش بافت قدیمی شهر مشهد سه لایه (تجاری-اقامتی، اقامتی-مسکونی، مسکونی) در پیرامون حرم مطهر شکل گرفته است. عبارت محدوده پیرامون حرم مطهر رضوی که در افواه عمومی نیز با تعبیری چون «دور حرم» شناخته می شود را می توان بخشی از محدوده مرکزی شهر مشهد در نظر گرفت که مرکزیت آن را هم از لحاظ کالبدی و هم از لحاظ کارکردی حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام شکل داده است. این محدوده با سایر محدوده های شهر از نظر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کاربری، تاریخی و ترافیکی تفاوت هایی دارد. محدوده پیرامون حرم مطهر، محدود ای است که حضور زائران در آن مشهود بوده و از همین رو، فعالیت ها و خدمات نیز حول محور نیازهای زائر شکل گرفته اند.



تصویر شماره ۲. محدوده بافت تاریخی منطقه ثامن (مأخذ: طرح طاش)

Figure ۲. The historical context of Samen region (Source: Tash design)

در طرف دیگر سایر محدوده شهر بیشتر در اختیار شهروندان مشهدی است و کارکردهای محدوده با زندگی شهری معمول انطباق دارد. لازم به ذکر است که تأثیر حرم مطهر رضوی با شدت کمتری تا فاصله های بسیار بیشتر و در کل شهر مشهد قابل درک است اما آنچه از محدوده پیرامون حرم مطهر به ذهن متبادر می شود، در واقع محدوده ای است که ارتباط کاملاً مستقیم داشته، بیشترین تأثیر را از زیارت پذیرفته و می توان از آن به عنوان حریم درجه یک زیارت نام برد و آن را معادل واقعی تری برای تعبیر محدود پیرامون حرم مطهر در نظر گرفت.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی



تصویر شماره ۳. محلات نه گانه منطقه ثامن مشهد (مأخذ: طرح طاش)

Figure ۳. Nine neighborhoods of Samen region of Mashhad (Source: Tash design)

معیارهای گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای موجود در یک بافت تاریخی:

ورودی هر فضا اولین مکانی است که با حضور در آن خصوصیت کلی فضا، آداب ورود، حد خصوصی و عمومی بودن و سایر ویژگی‌های فضا کشف می‌شود. ورودی بیش از هر چیز، مفصلی برای اتصال دو مکان و نه تیغه‌ای برای تفکیک آن‌ها. لذا فضایی است که می‌تواند وقایع مختلف را در خود جای دهد (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۴۳). ورودی خانه نقطه عطفی به حساب می‌آید که علاوه بر تلقی آن به عنوان محل گذر، نمادهای بیرون سردر پیام ساکنان آداب حریم خانه را بازگو می‌کنند (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۶۶). پیام‌هایی که از این طریق به مخاطب منتقل می‌شود، متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی و نیازهای کارکردی است که به آن‌ها اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است هر یک از اجزا و عناصر فضای ورودی بر اساس ویژگی خاص خود می‌تواند به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر چند عامل از عوامل ذکر شده (شرایط اجتماعی - فرهنگی، مذهبی، کارکردی و سایر موارد) شکل گرفته باشد. از نقش‌های کالبدی ورودی، می‌توان به تأمین و نظارت بر ارتباط، کنترل گری، نفوذپذیری، تبدیل‌پذیری، تشخیص و خوانایی، پذیرندگی یا دعوت‌کنندگی نام برد (دوستی مطلق، ۱۳۸۸: ۹۱). از سویی، ورودی به‌عنوان یکی از عناصر مهم و مؤثر در معرفی افکار و نظریات دوران محسوب می‌شود و متناسب، هماهنگ و پیوسته با امکانات، اهداف عملکردی و تفکرات دوره‌ای مربوط به خود شکل می‌گیرد (دوستی مطلق، ۱۳۸۸: ۹۱). با این مقدمه، می‌توان گفت که طراحی و ساخت ورودی تجلی کالبدی تلاشی برای انجام یک عملکرد، القای مفاهیم اجتماعی و فرهنگی موجود در یک فرهنگ و همچنین نمایش جایگاه اجتماعی و پایگاه مذهبی سازنده یا مالک ساختمان هست. دستیابی به تمام اهداف ذکر شده در طراحی ورودی، الزاماتی کالبدی را بر شیوه‌ی ساخت و تزیین آن تحمیل می‌نماید. در این پژوهش، صرفاً ای الزامات کالبدی مدنظر هست؛ الزاماتی از قبیل: تناسبات، مصالح، تقسیمات، الحاقات، نگاره‌ها و رنگ‌های درب و سردر. به‌منظور تسهیل امر گونه‌بندی، موارد اشاره شده در قالب سه دسته‌ی کلی، شامل: ویژگی‌های تزیینی، تناسباتی و کارکردی ساماندهی و پیشنهاد می‌شود.



نقش خراساد شکوفای معماری ایرانی اسلامی

جدول ۱. با بررسی ویژگی های کارکردی، تناسباتی و تزئینی، گونه شناسی شیوه های ساخت و طراحی درب و سردر هر بافت تاریخی تسهیل میگردد (مأخذ: افرادی، ۱۳۹۶: ۲۰۶)

ویژگی های قابل توجه در شناسایی و گونه شناسی شیوه های طراحی درب و سردر یک بافت تاریخی			
کارکردی	تناسباتی	تزئینی	
ویژگی کارکردی ساختمان	تناسبات و تقسیمات درب	الحااقات درب	
	تناسبات و تقسیمات سردر	جنس درب	
	نحوی کار گذاشتن درب نسبت به سردر و معبر		نوع کتیبه های سردر
			نقوش نمادین درب و سردر
			طیف (پالت) رنگی درب و سردر
مصالح به کار رفته در ساخت سردر			

بازه های تاریخی مهم در سیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معاصر ایران و گونه بندی درب ها و سردرها بافت تاریخی ثامن در این ادوار

فرهنگ و شیوه ی زندگی در هر دوره همواره در رابطه ای تنگاتنگ با فضای معماری بوده است تا جایی که معماری به عنوان ابزار سنجش فرهنگ مردمان یک جامعه عمل می کند. کالبد خانه و ساختار خانواده، به واسطه رویدادها و رفتارها (فرهنگ زندگی)، در تعامل با یکدیگر هستند. به این ترتیب تغییر در هریک بر روی دو عنصر دیگر تأثیر خواهد گذاشت. در این پژوهش سعی شده است با توجه به این سه عنصر در چهار دوره ی مختلف به بررسی تزئینات درب ها و سردرهای منطقه ثامن پرداخته شود.

دوره ی قاجار: منظور از این دوره، جامعه ی پیش از حکومت پهلوی است؛ دوره ای که هنوز تأثیرات شگرفی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی نسبت به دوره ی ماقبل خود، در کشور ایجاد نشده است. معماری قاجار ادامه دهنده ی معماری دوره های پیش از خود، به خصوص صفویه است (کمالی، ۱۳۸۹: ۵۳) و فرهنگ دوران زا هنوز بر مفاهیم غربی غلبه دارد. ساختار و کارکرد خانه ها در دوره قاجار بر اساس مناسب مذهبی، نظام خانوادگی ایرانی و شغل سرپرست خانواده شکل گرفته است. بر اساس ملاحظات مذهبی این دوره مبنی بر جدایی زنان و مردان، علاوه بر تقسیم فضای خانه به بخش اندرونی و بیرونی (مهدوی، ۱۳۵۷: ۲۰۱۲) نمود این اعتقادات در محدوده فضای ورودی هم به صورتی پررنگ قابل مشاهده است. از دست دادن شهرهای هرات و مرو و میهنه در زمان قاجار، سبب کوچ گروهی از مردم ایرانی تبار و شیعه مذهب شهرهای مزبور به مشهد شد که بر تنوع قومی فرهنگی و جمعیت این شهر افزود. هر یک از این گروه های مهاجر در محله ای ویژه ساکن می شدند، از جمله در سال ۱۲۲ ق پس از بیرون رفتن مرو از دست حکام ایرانی، هزار خانواده مروی به مشهد آمدند که



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تاکنون در مشهد و اطراف آن دارای تکیه و محله و مسجد هست (سیدی، ۱۳۷۸: ۱۲) به طور مثال مسجد مروی ها واقع در تپل المحله منطقه ثامن. علاوه بر این از خلال منابع متعلق به عصر قاجار انواع قومیت‌های حاضر در ایالت خراسان به خوبی آشکار است. ساکنان نیمه جنوبی خراسان، افزون بر فارس زبانان، متشکل از طوایف عرب و بلوچی بود که عمدتاً عشایر بودند و به فارسی تکلم می‌کردند (دانشیار، ۱۳۹۴: ۴۷). بنابراین در این دوره با توجه به تداخل فرهنگی بناهای مختلفی شامل: مساجد، تکیه‌ها، آرامگاه‌ها، گرمابه‌ها، مدارس و برخی خانه‌های اعیانی، در بافت پیرامونی حرم مطهر ساخته شده است؛ در دوره قاجار، ساختن ساختمان‌های مسکونی به مرحله خاصی از طرح و تکنیک و اجرا رسیده بود. در ساختمان‌های بیرونی و درونی، اصل نما سازی همواره مورد توجه بود. در این دوره چوبی و بیشتر اوریسی سازی با کارهای بسیار زیبای گره درودگران همراه با نقش‌های مختلف گل و گیاه و اسلیمی و ختایی و در مواردی همراه با تصویرسازی سه‌بعدی از مجسمه ملانکه در سردر. در دیوارنگاری‌های دوره قاجار، سه مضمون بر سایر مضامین غلبه داشته است؛ مضامین حماسی و سیاسی، مضامین تزئینی و بزمی و مضامین مذهبی (شریفی، ۱۳۹۱: ۳). در این دوره تأثیرپذیری از احکام و جهان‌بینی اسلامی به صورت قابل‌ملاحظه‌ای دیده می‌شود. اجتناب از کاربرد تصویر انسان در تزئینات منجر به استفاده بیشتر از نقوش هندسی و گیاهی گردیده است (سلطان زاده به نقل از حاجی خوری، ۱۳۷۲: ۲). متن کتیبه‌های موجود در سردر، غالباً گویای اعتقادات مردم است. این متون معمولاً از میان آیات قرآن یا احادیث و به لحاظ موضوعی مرتبط با فضای ورودی انتخاب گردیده است (سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۱۸۲) از دیگر عوامل تأثیرگذار و وابسته به شرایط اجتماعی منزلت و شأن اجتماعی صاحب‌خانه است که به صورت‌های مختلف در معماری خانه و فضای ورودی نمود پیدا کرده است. در برخی بناها با بزرگی و ابعاد هشتی (کاتب، ۱۳۸۴: ۱۷۰)، سردرهای مرتفع و بلند و در برخی دیگر به وسیله چراغ جلوی درب، چنانچه از قول عبدالله مستوفی نقل شده، در آن زمان کوچه تا چراغ نداشته و تنها خانه‌های اعیان دارای چراغ فانوس بوده که بزرگی این فانوس خو نشان از جایگاه اجتماعی صاحب‌خانه داشته است (مستوفی، ۱۳۸۶: ۳۳۷). خانه‌های رجای نیز دارای کالسکه‌خانه و سرطوبله بوده که برای حفاظت اسب تا و کالسکه تا ساخته شده است (شهری، ۱۳۷۱: ۱۹۱). در مقابل، به دلایلی چون، اعتقاد به این‌که نمایش داشته تا موجب از دست رفتن آن‌ها می‌شود (اکبری، ۱۳۸۳: ۲۳۱) یا به دلیل تحولات اجتماعی و تاریخی و خطر حمله بیگانگان (شاردن به نقل از سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۶۲) سردرهای ورودی حتی در مورد خانه اعیان گاهی به صورت ساده و با حداقل تزئینات ساخته می‌شد. چنانچه که در خانه رحیمیان و اکبر زاده مشاهده می‌گردد. همچنین در این دوره الگوی رفتاری درب‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است، الگوی رفتاری بیشتر مباحثی چون مهمان‌نوازی، احترام به حقوق دیگران و حریم خانه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به عنوان مثال، قرارگیری ورودی عقب‌تر از لبه معبر نشان از دعوت‌کنندگی است (مثل خانه رحیمیان و کوزه کنانی). این عقب رفتگی با ایجاد سایه و حفاظت در برابر برف و باران (خائری، ۱۳۸۸: ۱۲۸) احترام به حضور انسان را به همراه دارد. سکوه‌های اطراف ورودی جهت رفع خستگی عابران، گفت‌وگو و گذران اوقات فراغت، اختلاف سطح میان آستانه درب و معبر جهت ورودی با تانی به خانه (سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۱۷۴) و در نتیجه آن محترم شمردن حریم خانه و ساکنان آن نمونه‌هایی از نمود الگوی رفتاری در فضای ورودی است (مثل خانه توکلی). درب‌های دوره قاجار عموماً از جنس چوب و ابعاد آن‌ها تقریباً ۱/۵ در ۲ متر می‌باشند و اغلب دارای رنگ‌های طبیعی چوب، مانند رنگ قهوه‌ای و گاهی نیز با رنگ‌های روشن مایه مانند فیروزه‌ای و سبز رنگ دیده می‌شوند (تصویر ۵ و ۴).



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی



تصویر شماره ۵. درب خانه اکبرزاده (مأخذ: نگارنده)

Figure ۵. Akbarzadeh's door (Source: Author)



تصویر شماره ۴. درب خانه داروغه (مأخذ: نگارنده)

Figure ۴. Door of Darogeh House (Source: Author)

درب ها معمولا از دولنگه که هر لنگه از یک تا چهار لته چوب تشکیل شده اند و همانند درب های سنتی دیگر مناطق ایران دارای الحاقاتی نظیر: گل میخ، کلون و کوبه مخصوص مردان و زنان و چفت و بست می باشند. تزئینات و ترکیبات درب ها نیز بصورت متقارن مستطیل شکل و گاهی نیز با نقوش مختلف هندسی مانند ستاره ایرانی، زهره هشت پر^۱ (تصویر ۶) به روش کنده کاری مزین هستند (تصویر ۷).



تصویر شماره ۶. ستاره ایرانی، زهره هشت پر (مأخذ: حاجی علیمحمدی، ۱۳۷۲: ۲۹)

Figure ۶. Iranian Star, Zohreh Hashtpar (Source: Haji Alimohammadi, ۱۳۷۲: ۲۹)



تصویر شماره ۷. درب خانه رحیمیان (مأخذ: نگارنده)

Figure ۷. Rahimian House Door (Source: Author)

نقوش سردرها اغلب کتیبه هایی هستند که گره ها و اشکال هندسی و یا نوشته در آن ها کاربرد دارد. پرشمارترین تزئینات، هندسی است. این گره های هندسی ملون و جذاب بر عناصر مختلف معماری از سردر تا نمای ساختمان در قاب پنجره،



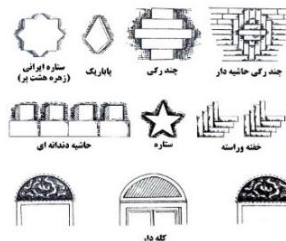
نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

سنتوری، ستون ها و حاشیه ها دیده می شود. علاوه بر کاشی، نقوش مختلف هندسی آجری قالب زده نیز بر نمای برخی از خانه های مسکونی، بافت و جلوه ویژه ای به بنا داده است. همچنین نوارهایی هندسی بر بدنه بنا کارکرد زیبایی و هماهنگی رنگی در ایجاد هارمونی درست فضایی، کمک شایانی نموده است. آجر قالب زده با نقش هندسی در خانه های مسکونی مشهد به کاشی های منقش پهلو زده و نگاه هر عابری را به خود فرامی خواند. (شیخی، ۱۳۹۶: ۱۲) نقوش هندسی استفاده شده در سردرها اشکال هندسی و گره های مختلف از جمله: مربع، مستطیل، چند رگی^۲، چند رگی حاشیه دار^۳، حاشیه دندانان ای^۴، خفته و راسته^۵، ستاره^۶، ستاره ایرانی (زهره هشت پر)، پاباریک^۷، کله دار^۸ و نقوش هندسی دیگر می باشد (تصویر ۸ و ۹)



تصویر شماره ۸. نقوش هندسی سردرهای مشهد (مأخذ: نگارنده)

Figure 8. Geometric designs of Mashhad headboards (Source: Author)



تصویر شماره ۹. نقوش هندسی و اسلامی سردر ها (مأخذ: حاجی علی محمدی، ۱۳۷۳)

Figure 9. Geometric and Islamic designs of the entrances (Source: Haji Alim Mohammadi, ۱۳۷۳)

نقوش نوشته در کتیبه هایی است که از گذشته تا به حال، سرآغاز و سرلوحه هر عمل و کاری برای مسلمانان بوده است. نام و یاد خدا، امید به فتح و گشایش در کارها و دوری جستن از چشم بد، بیشترین آذین بر ورودی ها را در خانه های مشهد به خود اختصاص داده است. (شیخی، ۱۳۹۶: ۸) که آیات قرآن و عبارات عربی به رنگ سفید یا کرمی بر روی زمینه لاجوردی هستند (تصویر ۱۰). سردرها معمولا با چند پشت بغل که یکی از آنها را اغلب پنجره های چوبی دو لنگه ساده (تصویر ۱۱ و ۱۲) و گاهی با استفاده از نقش مانند نقش پیچک رووارو (تصویر ۱۳) تشکیل داده، ساخته شده اند و در بعضی موارد سردرها با سقف قابند صندوقه ای^۹ مزین شده اند (تصویر ۱۴ و ۱۵ و ۱۶).



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی



تصویر شماره ۱۰. آیات و عبارات قرآن در سردهای دوره قاجار (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۰. Quranic verses and phrases in the heads of the Qajar period (Source: Author)



تصویر شماره ۱۱. تیمچه حاج محمد یوسف (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۱. Timcheh Haj Mohammad Yousef (Source: Author)



تصویر شماره ۱۲. خانه داوودی (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۲. Davoodi House (Source: Author)

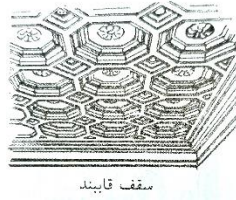


تصویر شماره ۱۳. نقش پیچک رووارو در تپل المحله (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۳. Rovaro ivy in Tepel al-Mahalla (Source: Author)



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی



سقف قابند

تصویر شماره ۱۴. قابند صندوقه ای (ماخذ: فرهنگ مصور هنرهای تجسمی، مرزبان ۱۳۹۲)

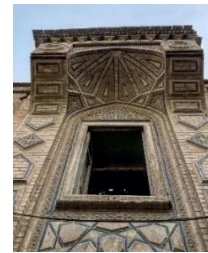
Figure ۱۴. Box Frame (Source: Illustrated Culture of Visual Arts, Marzban ۱۳۹۲)



تصویر شماره ۱۶. مدرسه علمیه عباسقلی خان (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۶. Abbas Qoli Khan Theological School

(Source: Author)



تصویر شماره ۱۵. خانه اکبرزاده (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۵. Akbarzadeh House (Source: Author)

در سردرهای دوه قاجار همکناری رنگ های لاجوردی، اکر و آجری در بناها باعث تشدید خطوط هندسی و یا نقوشی مثل ستاره بر بناها شده و آن هارا موکد نمود (شیخی، ۱۲: ۱۳۹۶) (تصویر ۱۷).



تصویر شماره ۱۷. خانه توکلی (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۷. Tavakoli House (Source: Author)

در این سردرها استفاده از رنگ های زرد، لاجوردی، آجری، کرمی، سبز و مشکی به وفور استفاده شده است (تصویر ۱۸).





تصویر شماره ۱۸. رنگ های مورد استفاده در سردرهای دوره قاجار (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۸. Colors used in Qajar period headaches (Source: Author)

پهلوی اول و دوم: منظور از این دوره، زمانی است که حکومت با تشویق اقشار مختلف به تجدیدگرایی، اقدامات همه‌جانبه‌ای را (از جمله در بعد معماری و کالبدی) هر چند ظاهر اگرایانه و سطحی، انجام می‌دهد. این اصول که با هدف تحقق ایده‌های مکتب مدرنیسم و متجدد ساختن جامعه‌ی ایران ادامه می‌یابد، با شعار نفی روح زمانه و انقطاع تاریخی در حوزه‌ی معماری تأثیر قابل توجهی می‌گذارد. در نتیجه، روند غلبه‌ی غرب‌گرایی و اصول معماری آن بر مبانی معماری داخلی تسریع می‌گردد. این تحولات نحوه‌ی طراحی ورودی (سردر و درب) را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با تغییر دیدگاه حکومت به‌ویژه در دوره‌ی پهلوی نسبت به توسعه و پیشرفت همچنین رشد جمعیت، گسترش روابط با دولت‌های دیگر، حضور دانش‌آموختگان معماری از کشورهای غربی، اشتغال اقشار جامعه به‌ویژه زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی نوین، زمینه‌ی دگرگونی در شیوه‌ی زندگی جامعه را فراهم آورد. دگرگونی در ساختار سنتی خانواده‌ی ایرانی به‌سوی خانوارهای مستقل به دلیل تغییر شیوه‌ی معیشت، شکل‌گیری مشاغل و صنایع نوین، موجب شد تا فضاهای خانه که در گذشته تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و اوضاع اقلیمی در پیرامون حیاط مرکزی شکل گرفته بود، با کوچک شدن ابعاد خانوار و افزایش جمعیت و تغییر ذائقه معماری و ساختمان‌سازی دچار تحول گردد. در این دوره، ابعاد و مساحت زمین تا تحت تأثیر رشد جمعیت و توسعه‌ی شبکه معابر شهری، نسبت به دوره‌های قبل محدودتر است. الگوی تزئینات درب‌ها و سردر تا، مطابق دوره‌های قبلی بوده و بین از حجم محدودتر و سادگی بیشتر برخوردار شده‌اند؛ در واقع بخش ورودی ساختمان ساده‌تر و سردر بیرونی خانه به‌صورت نمایی تخت فاقد فضای جلوخان و پیر نشین با تزئینات کمتر اجرا می‌گردد. خانه‌های امینی، احمدیان، موسوی، زراعی، طلائی و یزدان‌پرست را این برای این دوره می‌توان نام برد. همچنین در این دوره کاربرد نقوش گیاهی و تصویر طبیعت در تزئینات، می‌تواند به‌صورت نمادین در ذهن انسان، تداعی‌گر نام خداوند باشد. برخی از این نقوش گیاهی دلالت بر مفاهیم خاصی دارند، مانند درخت سرو که نمایش آن بر سر در خانه نشانه تشریف صاحب‌خانه به مکه است (اورسل، ۱۱۷: ۱۳۵۳). درب‌ها و سردرهای این دوره را می‌توان به دو دسته سنتی ساده و پرکار تقسیم نمود. درب‌های سنتی ساده بیشتر در کوچه پس‌کوچه‌ها یافت می‌شوند و غالباً به واحد‌های مسکونی تعلق دارند. جنس درب‌ها چوبی است؛ دو لنگه دارد و هر لنگه درب از یک تا چهار لته چوب ساخته شده است. این درب‌ها نیز مانند درب‌های دوره قاجار الحاقاتی مانند: گل میخ، کلون و کوبه‌های مختص مردان و زنان، جا کلیدی، چفت و بست دارند که با هنر زموذگری بر روی چوب نصب شده‌اند. اندازه‌ی درگاه خانه‌ها معمولاً بیشتر مستطیل شکل و دارای ابعادی در اندازه ۱/۵ در ۲ و گاهی ۳ متر می‌باشد. ابعاد و ترکیب تزئینات این نوع درب‌ها به صورت کاملاً متقارن و با شکل‌های مربع مستطیل ساده و کم‌کارکننده کاری شده‌اند و رنگ بندی متنوعی ندارند (تصویر ۱۹) و اغلب تیره رنگ و قهوه‌ای رنگ هستند اما گاهی نیز با رنگ‌های روشن مایه‌آبی و کرمی رنگ مشاهده شده‌اند (تصویر ۲۱).



نقش خراساد شکوفای معماری ایرانی اسلامی



تصویر شماره ۱۹. درب خانه مسکونی در نوغان (مأخذ: نگارنده)

Figure ۱۹. Door of a residential house in Noghan (Source: Author)

سردرهای سنتی ساده اغلب با آجرکاری و تزئینات بسیار کم، گاه به شکل خفنگ های ساده و دو پشت بغل ساده ی آجری و کتیبه ای با نقوش اسلیمی ساده و رنگ های آجری بدون ترکیب رنگی خاص دیده می شوند (تصویر ۲۰).



تصویر شماره ۲۰. سردر خانه مسکونی در نوغان (مأخذ: نگارنده)

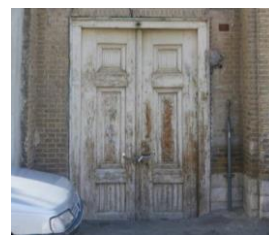
Figure ۲۰. The head of a residential house in Noghan (Source: Author)

درب های سنتی پر کار تمام ویژگی های درب های سنتی ساده را به علاوه ی جزئیات و ترکیبات بیشتری دارند و اغلب سه بخشی و بلندتر بودند. آرایه های به کار رفته در هر لنگه از این نوع دربه ها در سه قسمت مختلف به کار رفته است: قاب بالایی، کمر و قاب پایینی. از طرفی قاب بالایی میتواند تاج دار و بدون تاج و قاب پایینی نیز پایه دار و یا بدون پایه باشد (افرادی، ۲۱۰: ۱۳۹۶) (تصویر ۲۱ و ۲۲).



تصویر شماره ۲۲. درب سرای عزیزالله اف (مأخذ: نگارنده)

Figure ۲۲. Azizullah F. Door House (Source: Author)



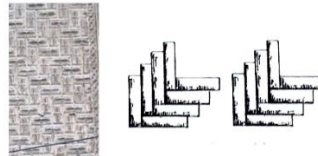
تصویر شماره ۲۱. درب خانه عسکریه (مأخذ: نگارنده)

Figure ۲۱. Door of Askaria House (Source: Author)



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

سردرهای سنتی پر کار نیز به شکل آجرکاری هایی به شکل خفته و راسته (تصویر ۲۳) و تعبیه پنجره در پشت بغل های دوم آن با نقوش چشم گاوی^{۱۰} (تصویر ۲۴)، نقوش هندسی و اسلیمی، گیاهی پرکار در فرم خفنگ^{۱۱}، کله دار و تاج (تصویر ۲۵) در کنار آیات قرآن با رنگ های آبی و زرد (تصویر ۲۶) و حاشیه های دندانان ای می باشد (تصویر ۲۷).



تصویر شماره ۲۳. نقش خفته و راسته (مأخذ: حاجی علی محمدی ۱۳۷۲) - نقش خفته و راسته بر سردر سرای عزیزالله اف (مأخذ: نگارنده)

Figure ۲۳. Sleeping and orderly role (Source: Haji Ali Mohammadi ۱۳۷۲) - Sleeping and orderly role on Azizullah F.'s headboard (Source: Author)



تصویر شماره ۲۴. نقش چشم گاوی (مأخذ: حاجی علی محمدی ۱۳۷۲) - نقش چشم گاوی بر پنجره سردر سرای عزیزالله اف (مأخذ: نگارنده)

Figure ۲۴. The role of a cow's eye (Source: Haji Al Mohammadi ۱۳۷۲) - The role of a cow's eye on the window of Azizullah F.'s house (Source: Author)



تصویر شماره ۲۵. خانه حسن زاده (مأخذ: نگارنده)

Figure ۲۵. Hassanzadeh House (Source: Author)

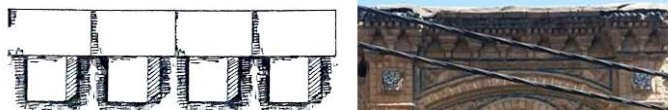


نقش خراساد شکوفای معماری ایرانی اسلامی



تصویر شماره ۲۶. راست؛ سردر خانه ای مسکونی در عیدگاه- چپ؛ سردر عسکریه (مأخذ: نگارنده)

Figure ۲۶. Right; Residential entrance in Eidgah-left; Askaria entrance (Source: Author)



تصویر شماره ۲۷. نقش حاشیه دندانه ای (مأخذ: حاجی علی محمدی، ۱۳۷۲) حاشیه در سردر خانه موسوی پریشانی (مأخذ: نگارنده)

Figure ۲۷. The role of a toothed margin (Source: Haji Alimohammadi, ۱۹۹۳) The margin in the head of Mousavi Parishani's house (Source: Author)

دوره ی گذار (اواخر دهه ی ۵۰ تا ۷۰): منظور از این دوره، زمانی است که به واسطه ی پیشرفت فناوری، تغییر شیوه های ساخت و ساز، افزایش جمعیت و نرخ فزاینده ی شهرنشینی، اصلاحات اراضی و... جامعه ی ایران وارد عرصه جدید اجتماعی و فرهنگی می شوند. حضور و تسلط مکتب مدرنیسم در معماری این دوره، کم کم اصول معماری بومی را کنار می زند. در این مکتب، ساختمان ها برای انتقال معانی عملکردی خود از داخل به خارج طراحی می شوند و از این طریق فقط به برنامه ی فضایی و عملکردی درونی خود پاسخ می دهند (کارمونا و همکاران؛ ۴۲: ۱۳۹۱) هنر انتزاعی و بی اعتنا به تماشاگر اصل و ارزش های انسانی و معیارهای سنتی را به یک سو نهاده و به نظم، خلوص، نوآوری و صراحت پای می فشرد (پاکزاد؛ ۱۳۹۸: ۱۲). با وقوع این تحولات و عوض شدن شیوه زندگی در طی قرن گذشته، مفهوم و مصداق خانه و سکونت، جای خود را به واحد مسکونی و اسکان داد (بهزادفر، ۲۹۴: ۱۳۸۷). شاخص دیگر در این دوره، حضور و سلطه ی فناوری و مصالح مدرن (شیشه، بتن و فولاد) و تأکید بر خلوص گرایی در کاربرد مصالح و رنگ است (گلکار، ۱۷۷: ۱۳۹۰). شهر و ارزش تا سنتی آن در این بازه ی زمانی مهجور واقع می شود. در این دگرگونی ارزش تا، هر آنچه از نظر سازمان فرهنگی جامعه هویت بخش است، ه عنوان مفاهیم سنتی تا حد موزه ای به عقب رانده می شود (حبیبی، ۱۵۶: ۱۳۸۳). در اواخر دوره ی پهلوی دوم ناگهان ساختمان سازی کشور به عنوان مثال مسکونی، دچار بی هویتی شد؛ غرب گرایی مسئولان تراز اول کشور و گرایش آن ها به زندگی و افکار غربی و نیز سوق دادن افکار مردم به سمت آن، اشاعه ی غرب زدگی را در بین مردم به همراه داشت. در این زمان، نماسازی تا از روند معنوی سنتی و هنرآفرینی های اصیل ایرانی جدا شد و به طرف ساختاری ساده و غربی کشیده شد. در این برهه از زمان، طرح تا و ساختار بناها به خصوص مسکونی، برگرفته از شیوه های غرب شد و نماسازی تا، بیشتر مانند



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

نماهای غربی آن روز، به صورت سیمانی در انواع گوناگون تخته ماله‌ای، تگرگی، ماهوتی، چکشی، آب ساب موزایک و غیره درآمد. قوس‌های زیبای کلیل و کلاله و چند کمانه، از هره بندی مستقیم در نعل درگاه تا بهره گرفته شد. علاوه بر آن، پنجره‌ی گسترده به شکل مربع مستطیل چند لثی، در نمای ساختمان‌های به کار رفت. خلاصه آن که این روند ناهنجار، هر روز به شکلی، سبب از بین رفتن هویت بسیار اصیل معماری بی‌همتای سنتی ایران که همواره مورد توجه جهانیان بود، شد تا جایی که در زمانی بسیار کوتاه، مردم ما و حتی بسیاری از مهندسان و دانشجویان رشته معماری و شهرسازی، پدیده‌های بسیار ارزشمند هنر معماری ایرانی و معنویت آن را از جهت فلسفه و اصل درون‌گرایی و شیوه‌های بیرون‌گرایی و ویژگی‌های خلاق و بسیاری از کمالات به حق را فراموش کردند. درب و سردرهای این دوره را بر اساس دو سبک تلفیقی و تقلیدی می‌توان بررسی کرد. زمان و باتوجه به تحولات فرهنگی و اجتماعی، نوع خاصی از درب‌ها و سردرها ظهور می‌یابند که به نوعی در میانه‌ی سبک سنتی و ساده قرار دارند به طوری که تناسبات و ترکیبات نامتقارن در هر لنگه از درب ظهور می‌یابد. در این نوع درب‌ها کوبه‌های مختص مردان و زنان حذف می‌شود و جای آن را دستگیره می‌گیرد. همچنین چفت و بست‌های قدیمی به قفل تبدیل می‌شود. درب‌هایی که با سبک تلفیقی ساخته شده اند اغلب از جنس فلز با نقوش گل، لوزی و دایره هستند که با فلز به لنگه جوش خورده اند و رنگ‌های مختلف و اغلب سردی دارند، سردر خاصی مانند سبک سنتی ندارند؛ بلکه یا درب در داخل ساختمان با عقب نشینی کار گذاشته شده یا با یک قاب سیمانی محافظت می‌شود یا بدون هیچ عقب نشینی به موازات دیوار کار گذاشته شده اند (تصویر ۲۸).



تصویر شماره ۲۸. درب‌ها و سردرهای سبک تلفیقی دوره گذار (مأخذ: نگارنده)

Figure 28. Doors and entrances of the combined style of the transition period (Source: Author)

در سبک تقلیدی درب‌های سبک ساده یا معاصر در ادامه‌ی تغییر و تحول درب‌های تلفیقی ظهور می‌یابند. باتوجه به امکانات این دوره جنس درب‌ها کاملاً از فلز ساخته می‌شود. تناسبات درب‌ها همان تناسبات پیشین است و دو حالت متقارن و نامتقارن دارند. درب‌های این دوره استفاده از آرایه‌ها کاهش قابل ملاحظه‌ای دارد. برخی از این آرایه‌های ایجاد شده، تقلیدی ساده و مختصر از آرایه‌های سنتی هستند که به صورت نه چندان زیبایی، با استفاده از قطعات فلزی بر روی هر لنگه‌ی درب که به جوش داده شده



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

اند(افرادی، ۲۱۲:۱۳۹۶). تصویر خورشید، گل، شیر و تاج از جمله آرایه های بکار رفته در این درب ها می باشد که برداشتی ساده تر از گل میخ های سنتی را نشان می دهد(تصویر ۲۹).



تصویر شماره ۲۹. درب های سبک تقلیدی و ساده دوره گذار (مأخذ: نگارنده)

Figure ۲۹. Imitation and simple style doors of the transition period (Source: Author)

در این دوره، با رواج کارگاه های جوشکاری، تنوع آرایه ها بیشتر می شود و شاید به دلیل آشنایی کم طراحان جوشکار از عقاید و فنونی که بنایان و نجاران سنتی برای درب سازی به کار می بردند، آرایه های ساده و بی مفهوم نیز زیاد میشود. یکی دیگر از ویژگی های قابل یافت درباره ی آرایه های به کار رفته ی درب های این دوره، خشک بودن آرایه ها است؛ به صورتیکه این آرایه ها با جوش دادن چند قطعه ی فلز با زاویه های تند و تیز، در کنار هم ایجاد شده اند و به دلیل عدم استفاده از قوس های سنتی، از نرمی و لطافت کافی برخوردار نیستند. درب ها تماما از جنس فلز ساخته می شوند و به دلیل عدم استفاده از چوب، هنر زمودگری درب ها به فراموشی سپرده می شود. در این دوره زنگ، دستگیره های فلزی و کوبه های تکی، جایگزین کلون های زنانه و مردانه و قفل های صنعتی جایگزین چفت و بست و خروسک های سنتی می شوند. همچنین به دلیل استفاده از فلز و امکان رنگ آمیزی آن، طیف رنگی درب ها نیز متنوع تر می شود. (افرادی، ۲۱۳:۱۳۹۶). کاربرد کتیبه ها کاهش می یابد و در صورت استفاده به صورت آماده در بالای درب نصب می شود. کتیبه های این سبک مختصرند (مانند الله و بسم الله الرحمن الرحیم) و بدون پیچیدگی خاصی با یک فلز جوش داده شده به درب به کار برده می شوند(تصویر ۳۰).





نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تصویر شماره ۳۰. سردرها و کتیبه های دوره گذار (مأخذ: نگارنده)

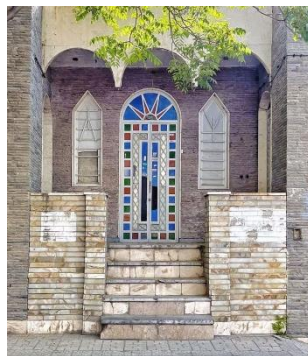
Figure ۳۰. Headers and inscriptions of the transition period (Source: Author)

دوره متأخر (دهه های ۷۰ به بعد): منظور از این دوره، دهه های اخیر هست. دهه هایی که ورود به قرن بیست و یکم، پیشرفت فناوری اطلاعات، نوسازی بافت های فرسوده، جمعیت قطعات ساختمانی، توسعه صنعت، افزایش آپارتمان سازی و... سبک جدید از سکونت در شهرهای بزرگ کشور و از جمله مشهد نضج می گیرد. کم رنگ شدن ارتباطات چهره به چهره، گسست هویت اجتماعی و فرهنگی، کاهش شناخت و تعلق خاطر همسایگی نسبت به یکدیگر و محله سنتی از ویژگی های این دوره است. در دوره متأخر، ویژگی های دوره گذار درب سازی و سردر سازی، به علاوه چند تغییر دیگر، ادامه می یابد. ساختمان های احداث شده در این دوره در بافت تاریخی شهر مشهد، اغلب حاصل تخریب و ساماندهی مجدد همان ساختمان های دوره گذار و بعضاً ساختمان های دوره تاریخی می باشند. دو یا چند برابر شدن عرض ورودی دربها (تصویر ۳۱) و اضافه شدن درب های بزرگ تر در کنار درب های کوچک به دلیل رواج خودروی شخصی و ایجاد پارکینگ های خصوصی و مشاع، از جمله این تغییرات است. متنوع شدن طیف رنگی دربها، استفاده از : نقوش گل نرده (فرورژه)، صندوق پستی، چراغ رنگی، آیفون تصویری و شیشه های بزرگ بازتابی (تصویر ۳۲)، از جمله دیگر تحولات صورت گرفته درب و سردر سازی دوره متأخر هست. می توان، گونه ای که در این دوره رخ می نماید را، به علت تأثیر پذیری زیاد از تحولات صنعتی و فناورانه، گونه مدرن نامید (کاظم افزادی، ۱۳۹۵) (تصویر ۳۳).



تصویر شماره ۳۱. درب های دوره متأخر (مأخذ: نگارنده)

Figure ۳۱. Doors of the Late Period (Source: Author)





نقش خراساد در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تصویر شماره ۳۲. درب ها با شیشه های بازتابی در دوره متأخر (مأخذ: نگارنده)

Figure ۳۲. Doors with reflective glass in the late period (Source: Author)



تصویر شماره ۳۳. درب های دوره متأخر (مأخذ: نگارنده)

Figure ۳۳. Late period doors (Source: Author)

جدول شماره ۲. گونه شناسی نحوه ی ساخت و طراحی درب و سردر بافت تاریخی رشت در قالب دوره های تاریخی و براساس چارچوب تحلیلی پژوهش (مأخذ: نگارنده)

دوره های زمانی مهم در بروز تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران						
دوره قاجار و ماقبل	پهلوی اول و دوم	سنتی سازه	سنتی برکار	نقلمی	تلفیقی (ساده تا ۵۰ تا ۷۰)	دوره متأخر (دهه های ۷۰ به بعد)
تاریخی	کاربری های عمومی	کاربری های عمومی و مسکونی	کاربری های عمومی و مسکونی	مسکونی	مسکونی و تجاری	مسکونی، تجاری و اداری
تناسبات و تقسیمات در	تناسبات	نسبت عرضی به ارتفاع ۱/۵ به ۲	نسبت عرضی به ارتفاع ۱/۵ به ۲ و گاهی ۳	متقارن	متقارن و نا متقارن	متقارن و نا متقارن، افزایش نسبت عرضی به طول درب
تناسبات و تقسیمات سردر	متنوع	متنوع	متنوع	یکنواخت	محدود	ساده و حذف سردر
جنس درب	چوبی	چوبی	چوبی	فلز و شیشه	فلز و شیشه	فلز و شیشه بازتابی
مصالح به کار رفته	کاشی، آجر، گچ	آجر، کاشی	آجر، کاشی	آجر، کاشی	سیمان، شیشه، فلز، سنگ	سیمان، شیشه، فلز، سنگ
نوع کتیبه های سردر	مضامین مذهبی، حماسی، بزمی	مضامین مذهبی	مضامین مذهبی	مضامین مذهبی	مختصر و بیش ساخته مذهبی	حذف کتیبه و یا همان مضامین مذهبی مختصر
نقوش نمادین درب و سردر	مربع، مستطیل، چند رگی، چند رگی حاشیه دار، حاشیه دانه دانه ای، خفته و راسته، ستاره، ستاره ایرانی (زهره هشت پر)، پاپارک و نقوش هندسی	آجرکاری و نقوش اسلیمی ساده	خفته و راسته، چشم گازی، نقوش اسلیمی و گیاهی	لوزی، گل، اشکال هندسی، گره ها	خورشید، گل، شیر، تاج	نقوش مختصر، متقارن و نامتقارن، فرورژه
طیف رنگی	نماتینه های زرد و آبی، فیروزه ای، مشکی، آجری	آجری، کرمی، زرد و آبی	آجری، کرمی، زرد و آبی	رنگهای سرد، آبی، سفید	متنوع	متنوع

نتیجه گیری

باتوجه به تحولات سیاسی، اجتماعی و فناوری رخ داده در ایران و مشهد، میتوان ساخت و طراحی درب و سردر بافت تاریخی مشهد را این گونه تفکیک نمود: دوره ی قاجار و ماقبل برمبنای گونه تاریخی، پهلوی اول و دوم برمبنای گونه ی سنتی ساده و پرکار، دوره ی گذار (اواخر دهه ی ۵۰ تا ۷۰) برمبنای گونه ی تلفیقی و تقلیدی و دوره ی متأخر برمبنای گونه مدرن.



نقش خراساد شکوفای معماری ایرانی اسلامی

مقایسه ی ویژگی های این گونه ها نشان می دهد که اگرچه طراحی و ساخت سر در خانه های قدیمی دارای نقش کالبدی و کارکردی است که بیانگر مسائل زیادی مانند اوضاع طبیعی و اجتماعی منطقه، مذهب، نظام اجتماعی و فرهنگی، سبک زندگی و سطح طبقاتی باشد، اما با گذشت زمان و متأثر از تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوری، به تدریج شیوه های سنتی طراحی درب و سردر از بین رفته و به سمت گونه مدرن سوق یافته است.

پی نوشت

- ^۱ ستاره ایرانی: زهره هشت پر: ستاره ای هشت پر که بیشتر در گره سازی از آن استفاده می شود.
- ^۲ چندرگی: نوعی نقش هندسی که از کنار هم چیدن چند آجر به طول های متفاوت پدید می آید. ردیف های آجر همیشه مضربی از اعداد فرد است؛ مانند ۵ رگی، ۷ رگی و ۹ رگی.
- ^۳ چندرگی حاشیه دار: نقشی مانند چند رگی است که به وسیله ی حاشیه آجری ادامه می یابد.
- ^۴ حاشیه دندان ای: نوعی حاشیه تزئینی.
- ^۵ خفته و راسته: نوعی آجرچینی که در آن آجرها به صورت عمودی و افقی کنار هم قرار می گیرد.
- ^۶ ستاره: نوعی نقش که مانند ستاره است.
- ^۷ پاباریک: نقشی است که در ترکیبات گره سازی مورد استفاده قرار می گیرد.
- ^۸ کله دار: قسمت بالای در که گاه نقشی در آن جای می گیرد.
- ^۹ قابند صندوقه ای: قابند گود چندضلعی برای تزئین سقف یا روی گنبد.
- ^{۱۰} چشم گاوی: به شش ضلعی منتظم گویند.
- ^{۱۱} خفنگ: بادگیر یا دریچه بالای در و پنجره

فهرست منابع

-Delbrueck, R. (۱۹۴۹). The Acclamation Scene on the Doors of Santa Sabina. The Art Bulletin, ۳۱(۳), ۲۱۵-۲۱۷.

-Carmona, R., & Lacroix, J. (۲۰۱۲). Spectral theory of random Schrödinger operators. Springer Science & Business Media.

-افضل طوسی، عفت السادات، سلاحی. (۲۰۱۷). شمایل حضرت محمد (ص) در کاشی نگاره های خانه های شیراز. فصلنامه نگره.

-اسد، فلاح زاده، برزگری. (۲۰۲۱). تاثیر چهار شیوه تمرینی بر بیان زن های آنژیوپوپیتین-۱ و کانستاتین در بطن چپ موش های صحرايي نژاد ويستار. مطالعات کاربردی علوم زیستی در ورزش.



- افرادی کاظم. (۱۳۹۶) گونه بندی شیوه طراحی و ساخت درب ها و سردر های بافت تاریخی رشت از دوره قاجار تاکنون.
- پاکزاد، مهتری. (۲۰۱۰). ادريس بدلیسی، هشت بهشت و دیگر آثار او. پژوهشنامه ادب حماسی.
- جهانگیری کلاته، ک. کاظم. (۲۰۱۵). تبیین ساختار و محتوای طلاق نامه ها (با تکیه بر طلاق نامه های موجود در - مرکز اسناد آستان قدس رضوی). شمسه: نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، (شماره ۲۸-۲۹ پاییز و زمستان ۱۳۹۴).
- حاجی علی محمدی، افسانه. نقوش سردرهای خانه های تهران قدیم. ۱۳۷۲
- حبیبی سید محسن، سعیدی رضوانی هادی. شهرسازی مشارکتی: تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی.
- حجازی. (۲۰۲۱). تصویرشناسی در سفر عبدالله مستوفی به روسیه. پژوهش های ادبیات تطبیقی.
- حسن پور، سلطان زاده. (۲۰۲۱). تبیین نقش متقابل فرهنگ و هنر در معماری آیینی تکایای مازندران. هنر اسلامی.
- حمزه نژاد مهدی، اکبری علی، انصاری شبنم. واکاوی تباین و توافق صور خیال در الگوی خیال انگیزی دو بنای قدسی (نمونه موردی: دو بنای مجاور آرامگاه شیخ عبدالصمد و مسجد جامع نطنز).
- دوستی مطلق، پیوند. (۲۰۰۹). بررسی تاریخچه ورودی معماری و شهرسازی آرمانشهر.
- دیانی، م.، کیانی، م.، فتاحی، ر.ا. (۲۰۱۳). رویکردی شناختی به عدم استفاده اجباری از اطلاعات مفهومی نو در ساختار کلاسیک. کتابداری و اطلاع رسانی
- سلطان زاده حسین. محمدکریم پیرنیا: معمار ۱۳۰۱-۱۳۷۶.
- شریفی. (۲۰۲۲). بازنگری مطالبات آموزشی زنان در دوره قاجار بر پایه «روزنامه حبل المتین کلکته. فصلنامه تاریخ.
- کرکوندی اصفهانی، فرزانه، محمدی میلانی، میرمقتدایی، احمد رضا، کمالی دولت آبادی. (۲۰۲۱). بررسی و سیر تحول تزیینات دیوارنگاره در معماری قلعه نهچیر مبارکه اصفهان. فصلنامه نگره.
- گلکار کوروش. مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری.
- مرزبان، پرویز، ۱۳۹۲. فرهنگ مصور هنرهای تجسمی
- مهدوی نژاد محمدجواد، ناگهانی نوشین. تجلی مفهوم حرکت در معماری معاصر ایران.



نقش خراساد در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

-نوری جمشیدی، ولی بیگ، کیانی. (۲۰۱۹). مطالعه ی مقایسه ای نقوش آجری شهرهای اصفهان و تهران دوره پهلوی اول در گستره نمای شهری. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی.